

گرومی کوچک و متهم میازند . تمام این اتهامات اپورتونیست‌ها تلاش هیملانه و مزورانه‌ای است بنظور پرده پوشی ضعف‌ها و بی عملی دردها نشان . در اینکه انقلاب کار توده‌هاست ، هیچکس تردیدی نکرده است مسئله اینست که چگونه میتوان انقلاب را بر پا ساخت ؟ وظیفه تاریخی انقلابی که در شرایط کنونی اهمیت روز افزونی می‌یابد « بر پا ساختن انقلاب است » . حرکت در آوردن پتانسیل خیزشی نهان در توده‌هاست . دقیقاً اینجاست که پای استدلال و عمل ، در واقع بی عملی فرصت طلبان ، چوبین از آب در می‌آید . پشاهنگ با مبادرت بدمل سلحمانه با نشان دادن نیروی بیکرانی که در توده‌ها نهفته است و گوش‌ای از آن در عمل انقلابی پشاهنگان خلق نجسم یافته با وارد ساختن ضربات پیگیر بر دشمن و بدینگونه نشان دادن ضربه پذیری او و در هم شکستن غولی که دشمن از خود در اذهان توده‌ها ساخته است ، میتوان وظیفه تاریخی خطیرش را بانجام رساند . مبارزه تنها در خلال عمل سلحمانه پشاهنگ است که ابعادی توده‌ای می‌یابد . یکسال از آغاز مبارزه سلحمانه توسط چریک‌های فدائی خلق میگذرد و ما اکنون به جمع‌بندی اثرات و نتایج آن میپردازیم .

تاثیر این عملیات بر روی طبقات و اقشار اپوزیسیون تقویت و تحریک پتانسیل انقلابی آنان بوده است . بازتاب عملی تاثیرات ذهنی این عملیات بر روی کارگران بصورت اعتصاب چهرمانانه کارگران جهان جیت نفوذ پیدا میکند ، که طی آن کارگران با شکل و بیکارچگی که در چند سال اخیر بی سابقه بوده است ، به اعتراض و مخالفت با استوار و مظالم وحشیانه سرمایه‌داری کمپرادور و بوروکراتیک می‌پردازند .

حکومت ارجحی در سرکوب هرچه قهرآمیزتر اعتصاب لحظه‌ای درنگ تدریج کارگران را بدرگبار مسلسل دشمنان بسته و بسیاری را کشته و زخمی میکند .

خلق ایران هرگز این جنایت را از یاد نخواهد برد . خون رنجگشان ، پیبوده بر خاک ریخته نشده ، این خون نطفه خشمی را در اذهان پرورده است که نتیجه عملی عظیمش را در تکرار و تداومش پیکار خواهد آورد . مبارزات سلحمانه تاثیرش را در مجامع دانشجویی بشکل اوج‌گیری پیاپی اعتصابات دانشجویی میگذارد و ما در سال گذشته شاهد پر شورترین حمایت و جانبداری دانشجویان قهرمان از عملیات چریکی بوده‌ایم . دشمن اینجاست نیز بنظور سرکوبی موج اعتراض به قهر آمیزترین شیوه‌های ضد انقلابی توسل جست است . مزدوران رژیم شاه ، این جانور خویان وحشی که هیچ چیز جز ارضاء قیابلات پست خود پابند نیستند به خشونت

در شرایط اجتماعی ، اقتصادی کنونی ایران مبادرت ، به مبارزه سلحمانه از طرف پشاهنگان انقلابی خلق ضرورتی اجتناب ناپذیر یافته است . اساساً پشاهنگی با دست زدن به مبارزه سلحمانه تعریف میشود و وجودش جز از این طریق ناممکن و غیرحالی است . مبارزه اکنون ضرورتاً سیاسی و نظامی است ، این دو جنبه ، جنبه سیاسی و جنبه نظامی ، رابطه‌ای ارگانیک و جدائی ناپذیر دارند . مبارزه سیاسی است زیرا تحقق بخشیدن به هدفی سیاسی را تعقیب میکند ، سرنگون ساختن حکومت دیکتاتوری ارجحی و استقرار حاکمیت خلق . مبارزه نظامی است زیرا تحقق بخشیدن این هدف بدون توسل به سلاح ناممکن است . در شرایطی که حکومت دیکتاتوری تمامی نیروهای سرکوبش را بمنظور نابود ساختن جنبش‌های آزادیبخش در نهایت خشونت بکار میگیرد ، در شرایط نبودن کمترین دموکراسی و بیشترین اختناق ، در شرایطی که ضد انقلاب با تجاری که در ستیز بر علیه اشکال کلاسیک مبارزه کسب نموده با تمام توانش به مقابله با پیدایش آنها مبادرت می‌نماید ، طرح تر مبارزه صرفاً سیاسی حاکی از اپورتونیسم بیکرانی است . نتیجه عملی این تر بی عملی است .

اپورتونیست‌ها با عنوان کردن این تر در واقع به توجیه بی عمل خود میپردازند . دسته‌ای دیگر از فرصت طلبان ادعا میکنند که مبارزه را بطور جداگانه دو زمینه‌های سیاسی ، اقتصادی و نظامی باید انجام داد . حسد ساختن این اشکال مبارزه که در شرایط کنونی تفکیک ناپذیرند ، تنها میتواند حاصل پر حرفی‌های نفرت انگیز کسانی باشد که در بی عملی مطلق بسر میبرند .

چگونه میتوان دست مبارزه صرفاً اقتصادی و یا صرفاً سیاسی زد در حالی که دشمن مسلح به سرکوبی قهرآمیز هر گونه اپوزیسیون میپردازد . ضربه اقتصادی و سیاسی را تنها توسط عمل نظامی میتوان وارد ساخت . اکنون عمل نظامی ماهیتی سیاسی دارد و جدا ساختن این دو عمل سیاسی و عمل نظامی حاکی از درک نادرست مبارزه است . تنها در زمینه عمل سلحمانه پشاهنگ و همراه با ریش گرفتن ، گسترش یافتن آن است که سایر اشکال مبارزه امکان پذیر میشود . اپورتونیست‌ها ، پشاهنگان انقلابی خلق را که مبارزه سلحمانه دست زده‌اند به ماجراجویی و نوعی جدائی میلناریستی از توده‌ها متهم میکنند . آنها عمیقاً پشاهنگ را بدست درک این نکته که ، انقلاب کار توده‌هاست و نه کار

بارترین اعمال بر علیه دانشجویان بیدفاع دست زده‌اند .
وسیع‌ترین دستگیری‌ها و پیگردها ، سخت‌ترین شکنجه‌ها
و آزار بر آنها اعمال گشته است . لیکن تمام اینها تنها مسبب
افزایش خشونت در مبارزات دانشجویی شده ، یکدم
دانشجویان مبارز را از ادامه راه مقدسشان باز نداشته است .
تمام افسار و طبقاتی که تا دیروز هیچ چیز جز گرتازیه‌ایشان
و مطالبی که بدانها می‌شود نداشته‌اند که بدان بیانده‌اند . این
فضای ذهنی که بتدریج حمایت معنوی هر چه بیشتر توده‌ها
را جلب میکند ، در افزایش کمی‌اش به تغییر کیفی می‌انجامد .
این تغییر کیفی است که حمایت معنوی توده‌ها را به حمایت
مادی مبدل میکند . عمل مسلحانه چریک‌های فدائی خلق ، نزد
گروه‌های صادق پشایه ، هنوز برای آغاز مبارزه مسلحانه
پرده است . ما اخیراً شاهد عملیات متهورانه‌ای توسط رفقای
قهرمانان در سایر گروه‌ها بوده‌ایم . چریک‌های فدائی خلق ، ضمن
مبارزه مسلحانه بیش از پیش موفق به شناخت قدرت دشمن
و شیوه‌هایش بمنظور سرکوب مبارزه شده ، همچنین به
توانائی‌های خود و به تاکتیک‌های دشمن پی برده‌اند .

شناخت چریک‌های فدائی خلق از فن چریک‌شهری تکامل
یافته است و در جریان عمل تجربه کسب نموده و آبدیده شده
اند . بدینگونه اثر درونی یکسال مبارزه مسلحانه ارتقاء
شناخت و تجاربی بوده است که در ادامه پروژمندانه عملیات
و اجتناب هرچه بیشتر از خطاهای تاکتیکی نقش تعیین
کننده دارند . عمل مسلحانه سهمگین‌ترین اثرات را بر دشمن
تهاده است . چریک‌ها که قدرتی تهاجی در برابر حکومت
فاشیستی‌اند و نه قربانیان بی‌آزار آن ، با وارد ساختن ضربات
پیگیر بر نقاط ضعف دشمن وجود خود را در سطح جهانی
بشود ، رسانده تعادل سیاسی دشمن را بر هم زده ، دریای
آرامش و ادعائی شاه را به دریای طوفانی تبدیل نموده‌اند .
دستگاه تبلیغی شاه که تا دیروز در دریای آرامش راه
میبرد در دریای طوفانی ، امروز کشتی شکسته‌ای بیش
نیست و تلاش سرنشینان طوفان زده‌اش بمنظور مخفی نگاه
داشتن عملیات چریک‌ها و خیالی قلنداد کردن آنها و پتلاش
مفروقی می‌باید که از سر ناچاری بپرگامی توسل جست است .
ضربات اقتصادی از طریق مصادره بانک‌ها و تهدید سرمایه‌های
بیگانه صورت می‌پذیرد . چریک‌ها با مبادرت مصادره بانک‌ها
نه تنها نیاز مالی جنبش چریکی را با تصاحب از آنچه که
توسط حکومت از خلق روده شده مرتفع می‌سازد ، بلکه با
این عمل خود سیستم پولی را که همچون سیستم عصبی دشمن
است ، مورد تهدید قرار میدهد . سرمایه‌داران بیگانه نیز
که سرمایه خود را در معرض نابودی توسط عمل انقلابی
چریک‌ها می‌بینند از سرمایه‌گذاری در ایران خودداری
نموده بدین ترتیب ضربه اقتصادی سنگینی متوجه دشمن میشود .
تشدید تضادهای داخلی ارتش و بوروکراسی از جمله اثرات
عمل مسلحانه بر دشمن است . در سال گذشته نیروهای
سرکوب ، خاصه شهرداری و سازمان امنیت و ژاندارمری
بارها تجدید سازمان شدند و با هر ضربه سنگین چریک‌ها
کادرهای بالا تغییر یافته‌اند ، لیکن هیچکدام از این اقدامات
نمی‌توانند منشاء اثری باشند . فشار بر کادرهای پائین‌بند
افزایش یافته است . اکنون افراد دون پایه پلیس ، خاصه
پاسانها که تنها بعزت فشار اقتصادی بخدمت تنگین پلیس
استماری در آمده‌اند مظام حکومت دیکتاتوری را با پوست

و گوشت خویش لمس میکنند . بسیاری از این افراد استعفاء
نموده‌اند ، لیکن شهروانی استعفاء آنان را نمی‌پذیرد . بدینگونه
چریک‌ها با وارد ساختن ضربات سیاسی و اقتصادی و با تشدید
تضادهای داخلی ارتش و بوروکراسی و تضادهای تاکتیکی
حکومت دست نشانده شاه خائن با اربابان غارتگر خارجیش
بحرانی عمومی در دستگاه‌های حکومت ارجحی پدید
آورده‌اند . بحرانی که شدتی روز افزون دارد . اثرات همه
جانبه عمل مسلحانه پشاهانگان تأیید عملی صحت تئوری
مبارزه مسلحانه است . عمل تنها ملاک حقیقت است و این
ملاک عمل مسلحانه را در شرایط کنونی ایران پشایه بسک
حقیقت تأیید میکند . پتانسیل تجربه یکساله چریک‌های
فدائی خلق چشم انداز روشنی را در مبارزات مسلحانه
ایران نوید میدهد . اکنون مهم‌ترین وظیفه‌ای که در برابر
گروه‌ها و افراد مبارز قرار دارد مبادرت به مبارزه مسلحانه
با تمام امکاناتی است که در اختیار دارند . هرآنچه تمام گروه‌ها
و افراد مبارز باین فوری‌ترین و انقلابی‌ترین وظیفه تاریخی خود
پاسخ عملی دهند ، مبارزه مسلحانه در ایران شکست نا پذیر
شواهد شد .

گروه‌های صادق انقلابی برای آغاز مبارزه مسلحانه
باید اعتقاد بخود کسب کنند . آنچه این گروه‌ها را در آغاز
نمودن مبارزه مسلحانه مانع میشود دیدنی است که از عدم
شناخت جنگ چریکی ناشی میشود . این شناخت تنها در
جریان عمل تکامل می‌یابد و از اینرو این تردید در جریان عمل
است که از بین می‌رود . بر اساس یک قانون عام در تئوری
شناخت ، شناخت در رابطه دیالکتیکی با عمل تکامل
می‌یابد . هرهرسه شناختی فاخرتر چنین روندی را طی
میکند و شناخت قوانین جنگ چریکی نیز طی چنین
پروسه‌ای تکامل پذیر است . تکامل تنها در حرکت ممکن
میشود توقف مرگزا است . اگر میخواهیم پیش برویم باید
آغاز کنیم . آغاز کردن شرط ضروری پیشرفت است .
هراس از برداشتن دومین گام نباید مانع از برداشتن اولین
گام شود . بیانیید با آنچه اکنون میدانید اولین گام را استوار
بدون کمترین هراس و تردید برداریم چشم اندازی که با
برداشتن اولین گام در مقابلان گشوده خواهد شد شرایط
برداشتن دومین گام را فراهم خواهد ساخت . گروه‌های
انقلابی همچنین باید خود را بدید سیاسی - نظامی مجهز سازد .
این گروه‌ها که غالباً منشاء روشنفکری دارند و در شناخت
خود عناصر یک دید سیاسی غلبه دارد باید در جهت ایجاد
یک دید سیاسی - نظامی گت کاملی در نحوه شناختشان
ایجاد کنند . این گت پیش از پیش در جریان عمل صورت
پذیر خواهد بود . اکنون بار دیگر باید دیدمان را با مقتضیات
یک مبارزه سیاسی - نظامی بگسیم . قابل و ابتدا گسترش
کمی گروه بطریق سیاسی و سپس آغاز مبارزه مسلحانه
حاکمی از نحوه شناخت سیاسی است . باین تمایل که در سطح
درونگری انقلابی بنظر میرسد در عمیق محافظه کاری
اپورتونیسیتی است . قدارک و گسترش امکانات مبارزه از جمله
گسترش کمی گروه و طبقه انقلابی هر گروه پیشرو است
لیکن این گسترش با بیشترین موثرترین بازده از طریق تاثیرات
عمل مسلحانه ما امکان پذیر خواهد شد . بر خورد گروه‌های
انقلابی دارای منشاء روشنفکری با مسائل جنبه استراتژیک
دشمن نباید سبب شود که بدو از نظر تاکتیکی کم یا دهیم .

آنچه در فتوری بیان میشود طرح کلی روندی است که طی آن انقلاب تحقق می‌یابد. آنچه در عمل صورت می‌گیرد پروسه پیچیده و طولانی دارد. مبارزه در روند طولانی‌ش آکنده از افت و خیز و سرشار از شکست‌ها و پیروزی‌هاست. هم از اینروست که هشیاری و پیگیری در مبارزه ضرورتی نمییمن کننده می‌بایند. ادامه کاری این گروه‌ها در گروه‌های هشیاری و پیگیری آنهاست.

تا وقتی که عمل میکنم ارتکاب به اشتباهات تاکتیکی که شکست‌های تاکتیکی را بدنبال دارد محتمل است. اجتناب از اشتباهات تاکتیکی تنها با عمل نکردن میسر است و دقیقا این فرصت طلبان بی عمل هستند که با هر شکست تاکتیکی پشاهانگان مسلح جار و جنجال راه می‌اندازند و می‌گویند که شکست‌های تاکتیکی را شکست استراتژیک و آنچه را که موقتی است نهائی قلمداد کنند. کسب پیروزی نهائی بی آنکه شکست‌های موقتی در کار باشد تنها میتواند در ذهن خیالباف فرصت طلبان بی عمل بگنجد و تنها فرصت طلبان هستند که سنگ چنین پیروزی را بسینه می‌زنند. بگذار اینان در اطلاق‌های در بسته‌شان به لوحه سرائی زبانه خویش ادامه دهند. انقلاب راهش بی‌انتهاست است. شروع

انقلاب آغاز مبارزه مسلحانه توسط گروه‌های پیشرو است. وظیفه انقلابی - تاریخی خملیری همچون «برپا ساختن انقلاب» خانی از خطر نیست. در راه برپا ساختن انقلاب باید با استقبال خطر رفت. هشیاری و فراست و دور و بیساکي، از خود گذشتگی و فداکاری عناصر ضروری برای آغاز این راه طولانی و پر خطرند. محقق انقلاب اینک نیاز به «فدائی» دارد. در آغاز نمودن مبارزه مسلحانه لحظه‌ای درنگ لحظه‌ای تردید خطاست.

ما یقین داریم که خونبهای ما بیداری خلقی خواهد بود که تحت فشار و اختناق ضد انقلاب از مبارزه باز داشته شده است. با این یقین است که در خسلال مبارزه برای مرگ آغوش گشاده ایم. اگر خون قادر به بیداری خلق است، بگذار از خونان روده‌خانه‌ای خورشان جاری شود.

مرگ بر امپریالیسم.

مرگ بر حکومت فاشیستی شاه خود فروخته

زننده باد خاق قهرمان ایران

بر قرار و ناگسسته باد اتحاد تاریخی خلقی و پيشاهنگان

انقلابی. بهمن ماه ۱۳۵۰